

سر شناسه: آهنری، ۱۸۶۲-۱۹۱۰م.

عنوان و نام پدید آورنده: داستان از غرب وحشی و غرب اهلی
نویسنده: ویلیام سیدنی پورتر برگردان: عبدالعباس سعیدی

تهران، لیان، ۱۳۹۳

مشتصات ظاهری: ۲۴۱ص

ایک: ۳-۴۰-۸۶۰۸-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

وضعیت: داستان کوتاهی کوتاه امریکایی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳/۶الف/۱۲۹۱/ps

رده بندی یو یو یو: ۳/۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۲

داستان از غرب وحشی و غرب اهلی
نویسنده: ویلیام سیدنی پورتر (آ. آهنری)

برگردان: عبدالعباس سعیدی

شمارگان: ۱۰۰۰ دفتر

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: دیرین نگار

چاپ: علوی

صحافی: مینو

B: 978-964-8608-40-3

شایک: ۳-۴۰-۸۶۰۸-۹۶۴-۹۷۸

انتشارات لیان

تهران - سعادت آباد - خیابان ارغوان شرقی - کوی مروارید - خ شقایق ۲ - پلاک ۱۰

تلفن: ۸۸۵۶۰۴۸۹ - ۸۸۶۸۵۷۷۴ تلفن همراه: ۰۹۱۲-۲۱۱۶۸۳۳

بها: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	در نور
۷	دو تله اس
۲۳	روش کابل
۴۹	دوستانی در سر روزا
۷۹	سیب اسرار آمیز
۱۱۱	شاهزاده خانم و شیرکوهی
۱۲۵	شاهزاده دشت
۱۴۵	چشمان جادویی
۱۶۹	جاده متروکه
۱۸۷	پنهان کردن بلک بیل
۲۱۳	نهایت تندرستی در سولیتو

درباره نویسنده

آ. هنری اسم مستعار ویلیام سیندنی پورتر است که در سال ۱۸۶۲ میلادی در شهر گرینزبرو ایالت کارولینای شمالی ایالات متحده آمریکا چشم به جهان گشود. مادرش از بیماری سل درگذشت در حالی که او تنها سه ساله بود و پدرش که یک دکتر در علم فیزیک بود سعی در اختراع ماشینی با حرکت چرخشی دائم داشت ولی ناکام ماند و در آن زمان به الکل پناه برد. ویلیام ابتدا در مدرسه‌ای کوچک که توسط خانواده اداره می‌شد تحصیل کرد و وقتی پانزده ساله بود به کار در یک درگاه اسرار مشغول گردید. بعدها تصمیم گرفت که برای کار به یک مزرعه بزرگ در ایالت تگزاس برود، شاید به این خاطر که او نیز علائم بیماری سل را تجربه کرده مشاهده کرده بود. او ده سال در شهر آستین، مرکز ایالت تگزاس زندگی کرد و در سال ۱۸۸۶ در آنجا ازدواج نمود و مدتی به عنوان مترجم، نقشه‌کش و در نهایت متصدی بانک کار کرد و همزمان شروع به نوشتن قطعات فکاهی برای روزنامه‌ها کرد و موفق به خرید یک روزنامه هفتگی به نام رولینگ استون شد. ولی متأسفانه این روزنامه موفق نبود در نتیجه پورتر به گزارشگری و مقاله‌نویسی در روزنامه هیوستون پست (Houston Daily Post) رو آورد. در سال ۱۸۹۴ پورتر متهم به اختلاس از بانکی که در گذشته در آن کار می‌کرد شد. نهایتاً او به کشور هندوستان فرار کرد و تنها در سال ۱۸۹۷ به آمریکا بازگشت تا در کنار همسر در حال مرگ خود باشد. او به ندامتگاه دولتی در ایالت اوهایو فرستاده شد و در آنجا بود که شروع به نوشتن با نام مستعار آ. هنری کرد. بعد از آزادی در سال ۱۹۰۱، به نیویورک رفت و مدتی در آنجا زندگی کرد.

او نویسنده‌ای است با آثار متعدد، به‌طوری که هفته‌ای یک داستان به چاپ می‌رساند. شهرت او با نام مستعارش ا. هنری به سرعت گسترش یافت. اولین کتاب او، کلم‌ها و پادشاهان که از تجربیات او در آمریکای مرکزی می‌باشد در سال ۱۹۰۴ به چاپ رسید و با سیزده کتاب مجموعه داستان دیگر دنبال شد. در سال ۱۹۰۶ یکی از مجموعه داستان‌های مشهورش به نام چهار میلیون را منتشر ساخت. چراغ آراسته مجموعه داستان‌هایی در مورد شهر نیویورک است که همراه با مجموعه سری نام قلب غرب که در مورد ایالت تگزاس می‌باشد را در سال ۱۹۱۰ چاپ رسانید. تاکنون کتاب‌های او به زبان‌های زیادی ترجمه و به چاپ رسیده است و خوانندگان زیادی را در سراسر جهان مجذوب خود کرده است. کتاب‌های او آنقدر مردم‌پسند بوده که تاکنون هیچ‌گاه چاپ آن‌ها متوقف نشده است. اگرچه او یک ورشکسته در تجارت، یک ولخرج و نهایتاً یک الکلی بود و در پنج ژوئن سال ۱۹۱۰ در فقر دیده از جهان بریافت. من قضای رقم‌زده روزگار برای استاد داستان‌های کوتاه جهان با زبان و خارق‌العاده، طعنه‌آمیز جلوه می‌کند! در سال ۱۹۱۸ انجمن هنر و ادبیات آمریکا به افتخار او جایزه‌ای برای بهترین داستان‌های کوتاه هر ساله در آمریکا به چاپ می‌رسد تعیین نمود که همواره برگزیده می‌شود.

عبدالعباس سعیدی

دی ماه ۱۳۹۰